

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۶، بهار و تابستان ۱۴۰۳، شماره ۳۱

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۱۵۳-۱۸۰

## بررسی نظرات نیومن درباره علل اخراج احمد بن محمد بن خالد برقی از قم

علی چمنی\*

محمدحسن صانعی پور\*\*

لیلا سادات مروّجی\*\*\*

### چکیده

نیومن در کتاب دوره شکل گیری تشیع دوازده امامی؛ گفتن حدیثی میان قم و بغداد در ضمن مباحث خویش به بررسی موضوع اخراج برقی پرداخته و معتقد است این اقدام ریشه در باورهای مذهبی آن جامعه مبنی بر ظهور زودهنگام امام عصر<sup>علیه السلام</sup> در آینده ای نزدیک داشته و لذا عدم احساس نیاز به نگارش چنین تألیفاتی، آن هم از طرف یکی از موالی خاندان اشعری را علت اصلی این تصمیم می داند و با ترسیم فضای بوم شناسی جامعه قم، استقبال از بازگشت برقی را پس از عدم تحقق باورهای اعتقادی جامعه و به تبع آن درک اهمیت کار برقی را، از دلایل نظریه خویش می داند. در این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و با استناد به شواهد تاریخی و روایات موجود در زمینه آگاهی بخشی مسئله غیبت توسط معصومین<sup>علیهم السلام</sup>، غیرعلمی بودن نظریه نیومن مشخص خواهد شد و در نتیجه می توان تفاوت های بین مبانی فکری، سیاسی و اقتصادی بین اشعری و برقی را زمینه ساز و از علل اصلی این قضیه دانست؛ عواملی که به زعم اشعری باعث برهم زدن یکپارچگی جریان اعتقادی و سیاسی جامعه قم بوده که پس از فهم اشتباه خویش، برای جبران آن اقدام نموده است.

کلیدواژه ها: آندره جی نیومن، احمد بن محمد بن خالد برقی، احمد بن محمد بن عیسی اشعری، اخراج راویان، قم.

\* دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران / alichamany1364322@student.pnu.ac.ir

\*\* دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول) / saneipur@kashanu.ac.ir

\*\*\* استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران / l.moraveji@kashanu.ac.ir

## ۱. بیان مسئله

با توجه به جایگاه غنی مکتب حدیثی قم، عملکرد آن همواره تأثیر بسیاری بر دیدگاه و رفتارهای محدثان هم عصر و همچنین بعد از خود داشته است. یکی از این اقدام‌ها که در دوره‌ای از مکتب قم رخ داد، اخراج تعدادی از محدثان به اتهام غلو یا نقل از ضعفا بود و بررسی این موضوع از آن رو اهمیت دارد که این حرکت با توجه به وجود روایات فراوان وارد شده توسط افراد اخراج شده در مجموعه‌های روایی و معتبر شیعه، پیامدهایی از جمله انکار و تردید در پذیرش برخی مفاهیم و محتوای رسیده از سوی این افراد در طول تاریخ نقل حدیث را به همراه داشته است.

روایت احمد برقی از روایان ضعیف و اعتماد بر مراسیل موجب شد احمد اشعری، او را از قم تبعید کند؛ اما پس از مدتی او را بازگردانده و از وی پوزش خواسته و در مراسم تشییع جنازه وی نیز، پابره‌نه حاضر شده تا رفتار پیشین خویش را جبران نماید. این گفتار مهم‌ترین مطلبی است که در اغلب نوشته‌ها و اظهارنظرها درباره اخراج احمد برقی از قم در کتب مختلف بیان شده است.

نیومن نیز در کتاب *The Formative Period of Twelver Shiism hadith as discourse between Qum and Baghdad* با عنوان فارسی دوره شکل‌گیری تشیع دوازده‌امامی؛ گفتمان حدیثی میان قم و بغداد (نیومن، ۱۳۸۶ش) ضمن بررسی کتاب المحاسن برقی، به موضوع اخراج احمد برقی از قم به‌عنوان یکی از اتفاقات مهم و مسئله‌برانگیز در آن برهه اشاره کرده است.

وی عامل نقل از ضعفا را با توجه به اقدام احمد اشعری در بازگرداندن احمد برقی به قم، در حد یک احتمال و یک نظریه ضعیف برمی‌شمارد؛ زیرا معتقد است در فاصله زمانی بین اخراج و بازگرداندن احمد برقی به قم، تغییری در وضعیت رجالی روایان متهم به ضعفی که احمد برقی از آنان نقل روایت کرده بود، حاصل نشده بود.

درمقابل معتقد است که عامل اصلی در این زمینه، ریشه در باورها و اعتقادات مذهبی آن اجتماع مبنی بر ظهور زودهنگام امام غایب علیه السلام در حالی که هنوز فرد جوانی است، داشته و به تبع این باور، عدم احساس نیاز به نگارش کتابی جامع با این حجم روایات، آن هم از سوی

یکی از موالی خاندان اشعری را از عوامل اصلی این اقدام می‌داند و در ادامه، مسئلهٔ عدم تحقق باورهای آن جامعه و درک اهمیت کار احمد برقی برای حفظ جامعهٔ نوپای شیعی قم در آن ایام را، عامل اصلی در بازگشت احمد برقی به قم و استقبال از وی و همچنین نحوهٔ شرکت احمد اشعری در مراسم تدفین وی می‌داند و این موضوعات را از دلایل مهم نظریهٔ خویش می‌داند. در این پژوهش با توجه به شواهد تاریخی و همچنین روایات متعدد وارده از سوی معصومین علیهم‌السلام در طول سال‌های متمادی در زمینهٔ آگاهی‌بخشی و آماده کردن جامعهٔ شیعی برای پذیرش موضوع غیبت آخرین امام علیه‌السلام و مسائل مربوط به آن، به نقد و بررسی نظریه‌های نیومن در این باره پرداخته می‌شود.

## ۲. پیشنهاد تحقیق

دربارهٔ علل اخراج احمد برقی از قم، علاوه بر مطالبی که عمدتاً از گفتهٔ نجاشی استنباط و در لابه‌لای بحث‌های گوناگون در گفتار محققان و مستشرقان بیان شده، در پژوهش‌هایی به شرح ذیل نیز، بیشتر به تبیین و بررسی این مسئله پرداخته شده است:

الف) «اخراج راویان از قم؛ اقدامی اعتقادی یا اجتماعی» (طالقانی، ۱۳۹۱ش)؛ که در آن به ذکر نام و علل اخراج افراد متهم به غلو از قم پرداخته و با توجه به اینکه احمد برقی از این اتهام مبرا بوده، مطلب چندانی از وی بیان نشده است.

ب) «جریان فکری ادب و بازخوانی دلایل اخراج و بازگشت احمد برقی به قم» (شیرزاد و همکاران، ۱۳۹۶ش)؛ در این مقاله به موضوع تعلق برقی به جریانی موصوف به «ادب» اشاره شده و نویسنده مخالفت اشعری را با رویکرد ادب‌گرایانه به احادیث با اوصافی که بیان شده، از علل اخراج برقی از قم دانسته و سه ویژگی علمی، سیاسی و اقتصادی در شخصیت برقی را از عوامل مهم در بازگشت وی به قم بیان کرده است.

ج) «نگاهی تحلیلی به رفتار احمد بن عیسی در تبعید برخی از راویان» (کرمی، ۱۳۹۷ش)؛ در این مقاله نیز با توجه به دوگانگی رفتار اشعری در اخراج یا عدم اخراج برخی از راویان، با طرح عنوانی کلی، مجموعه‌ای از انگیزه‌های سیاسی و تبلیغی را عامل اصلی این اقدام دانسته است.

در این پژوهش، ضمن بیان و بررسی نظرات مطرح شده در این باره، با نگاه بوم‌شناسی به شرایط حاکم بر آن عصر، این موضوع به دقت تحلیل و بررسی می‌شود و به‌طور خاص به نقد و بررسی نظرات نیومن درباره این اتفاق مهم و تأثیرگذار تاریخی که نقش مهمی در روند نقل روایات از برخی از محدثین و به‌ویژه احمد برقی توسط علمای بعد از خود داشته است، پرداخته می‌شود. لذا نخست مختصری درباره نیومن و نیز احمد برقی به‌عنوان اولین گردآورنده مجموعه بزرگ حدیثی شیعه دوازده امامی پس از ایام غیبت امام دوازدهم علیه السلام و همچنین فضای سیاسی و اجتماعی شهر قم و مکتب حدیثی آن در زمان احمد برقی به‌واسطه ارتباط این موارد با موضوع بوم‌شناسی نیومن در این زمینه مطالبی بیان شده و سپس مبحث اصلی پژوهش بررسی شده است.

### ۳. آندره جی نیومن

دکتر آندره جی نیومن (Andrew J. Newman) محقق، مورخ و نویسنده بریتانیایی تاریخ اسلام و ایران و استاد مطالعات اسلامی و خاورمیانه در دانشگاه ادینبرو اسکاتلند است. او دارای مدرک کارشناسی تاریخ از مجموعه کالج دارتموث و نیوهمپشایر ایالات متحده و کارشناسی ارشد و دکترای مطالعات اسلامی از دانشگاه کالیفرنیاست ([www.ed.ac.uk](http://www.ed.ac.uk)). نیومن به پژوهش و تدریس در حوزه‌هایی مانند تاریخ شیعه دوازده امامی، تاریخ فقه اسلامی، مطالعات حدیث، تاریخ ایران، تاریخ و فرهنگ خاورمیانه، زبان و ادبیات فارسی و ادبیات نوین عرب مشغول است (12-13: Retrieved 2020: [www.ed.ac.uk/profile/andrew-j-newman](http://www.ed.ac.uk/profile/andrew-j-newman)).

در حال حاضر، وی عضو هیئت تحریریه بخش «مطالعات اسلامی» کتابخانه‌های آکسفورد بوده و در دانشگاه ادینبرو اسکاتلند در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته‌هایی همچون اسلام شیعی، تاریخچه پزشکی اسلامی (فروغی ابری و بدیعان فرد، ۱۳۹۷ش: ۴۲) ادبیات نوین فارسی و تاریخ ایران مدرن (حسینی، ۱۳۸۷ش: ۳۰۴) در حال تدریس است.

### ۴. احمد بن محمد بن خالد برقی

وی محدث، مورخ و عالم رجالی شیعه در قرن سوم قمری بوده است. رجالیان، برقی را از اصحاب امام جواد و امام هادی علیهما السلام دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۸۱ق، ج ۱: ۳۸۳)؛ اما در

بررسی نظرات نیومن دربارهٔ علل اخراج احمد بن محمد بن خالد برقی از قم، محمدحسین صاعی پور و همکاران ۱۵۷

روایاتش، ذکری از نام این دو امام نیست و به نظر می‌رسد علت نقل غیرمستقیم وی از ائمه علیهم‌السلام و اوضاع اختناق‌آمیز آن دوران بوده؛ زیرا دیدار اصحاب با ائمه علیهم‌السلام در آن ایام بسیار مشکل و چه بسا با خطرات جانی همراه بوده است (توحیدلو، ۱۳۹۴ش: ۱۴۷).

رجالیان بزرگ شیعه مانند نجاشی، شیخ طوسی و علامه حلی، وی را ستوده و او را مورد وثوق و اعتماد دانسته‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۷۶؛ طوسی، ۱۴۱۷ق: ۶۲؛ حلی، ۱۴۱۱ق: ۶۳).

علامه مامقانی نیز پس از ذکر اقوال گوناگون دربارهٔ وثاقت برقی، در یک جمع‌بندی کلی چنین می‌نویسد: «در مورد روایت کردن وی از ضعفا و اعتماد به احادیث مرسل، ایرادی بر برقی نیست؛ زیرا گروهی از محدثان و مجتهدان چنین روشی داشته‌اند. اگرچه چنین شیوه‌ای مشهور علما نیست اما اگر شخصی این شیوه را داشت، نمی‌توان بر وی خرده گرفت همچنان‌که در سایر مسائل اختلافی نیز همین‌گونه است... و منظور نجاشی از "یروی عن الضعفا" تضعیف برقی نیست، وگرنه او را توثیق نمی‌کرد؛ بلکه هدف نجاشی از بیان این مطلب، آگاهی دادن به روش برقی در روایت است تا اینکه در منقولات و مرسلات وی دقت بیشتری صورت گیرد» (مامقانی، ۱۳۵۲ق، ج: ۱، ۱۸۳-۱۸۴).

برقی علاوه بر علوم دینی، در بسیاری از علوم دیگر نیز متبحر و صاحب تألیف بوده است؛ علمی از قبیل علم نجوم (ابن طاووس، ۱۳۶۸ق: ۱۲۳)، علم تاریخ (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج: ۱، ۱۴)، ادبیات عرب و شعر (جعفریان، ۱۳۷۶ش: ۵)، التراجم و التعاطف (ابن عبدالغنی، ۱۳۷۶ق، ج: ۱، ۹۷-۹۸) و....

هیچ‌یک از رجالیان و تراجم‌نگاران امامی، کتاب‌های وی را شمارش نکرده و عدد تخمینی در این زمینه ارائه ننموده‌اند؛ در مقابل، برخی از علمای اهل سنت در این باره مطالبی بیان کرده‌اند. یاقوت حموی که به سبب کتاب السیر برقی، به او توجه خاصی پیدا کرده بود، چنین می‌گوید: «تصانیف وی نزدیک به صد کتاب است» (یاقوت حموی، ۱۹۷۹م، ج: ۱، ۳۸۹).

زِرکلی نیز می‌نویسد: احمد برقی از علمای متفکر و اهل بحث شیعه بود و حدود صد کتاب دارد که یکی از آن‌ها المحاسن است و کتاب البلدان، اختلاف الحدیث و الانساب، اخبار الامم و الرجال از دیگر کتاب‌های اوست (زِرکلی دمشقی، ۱۹۸۰م، ج: ۱، ۲۰۵).

از دیگر زمینه‌های تبحر احمد برقی و مرتبط با مبحث این پژوهش علم رجال است. آقابزرگ تهرانی از کتاب وی با عنوان رجال البرقی الصغیر و نیز با عنوان‌های کتاب الطبقات و کتاب الرجال یاد کرده و اضافه می‌کند که ابوجعفر برقی دو کتاب در علم رجال دارد: یکی کتاب طبقات که در آن اصحاب پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام به ترتیب ذکر شده است و دیگری کتاب الرجال که گویا به ترتیب طبقات نیست (تهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰: ۹۹ و ج ۱۵: ۱۵۴-۱۴۷).

باید دقت داشت که لازمه نوشتن یک کتاب رجالی به روش طبقات، تسلط و آگاهی کامل و احاطه گسترده مؤلف بر اسنادهای روایات، اطلاع دقیق از زمان ولادت و وفات راویان و عصر زندگی آنان، ملاحظه استادان و شاگردان و دیگر قراین لازم در این زمینه است تا یک رجالی موفق بتواند طبقه هر راوی را تعیین و جایگاه آن را مشخص سازد؛ مبحثی که برقی در این زمینه حدیث پژوهی بدان پرداخته است.

مهم‌ترین اثر وی کتاب المحاسن است؛ چنان‌که قاضی نورالله شوشتری این کتاب را پنجمین کتاب معتبر شیعه و در ردیف کتب اربعه شمرده است (شوشتری، ۱۴۲۶ق، ج ۲: ۱۲۸).

نیومن نیز درباره کتاب المحاسن می‌نویسد: «عناوین باب‌ها به تنهایی بیانگر این است که هدف این بوده که نسخه اصلی، همان‌گونه که پلات (Pellat) گفته یک دایرةالمعارف و به معنای دقیق کلمه، پیش‌درآمدی بر این‌گونه مجموعه‌های روایی بزرگ و بعدی شیعه دوازده‌امامی مانند کافی و بحار الانوار مجلسی باشد، که در آن‌ها مؤلف درصدد جمع‌آوری مجموعه‌ای جامع از احادیث ائمه علیهم‌السلام در گستره وسیعی از موضوعات عملی و اعتقادی بوده است» (نیومن، ۱۳۸۶ش: ۱۹۳-۱۹۴).

مطابق آنچه در بالا درباره کتاب المحاسن بیان شد، خود بیانگر یکی از مهم‌ترین تمایزات عرصه حدیث پژوهی بین احمد برقی با احمد اشعری است. احمد برقی به‌عنوان یک حدیث‌شناس صاحب اندیشه، برخلاف جریان غالب آن روز مکتب قم، که هیچ تعاملی را با ضعف‌برنمی‌تایید، بررسی آثار ایشان و پذیرش بخشی از میراث آن‌ها را که اطمینان به صحت انتسابشان به معصوم علیه‌السلام حاصل می‌شد، به‌عنوان گفتمانی منطقی و عقلانی رهبری می‌کرد و همین امر را می‌توان از دلایل بسیار مهمی دانست که بعدها منجر به نسبت دادن برخی اتهامات به وی از سوی مخالفان این روش گردید.

بررسی نظرات نیومن دربارهٔ علل اخراج احمد بن محمد بن خالد برقی از قم، محمدحسین صاعی پور و همکاران ۱۵۹

طبق شواهد تاریخی، عده‌ای دیگر از روایان در همان برهه در قم می‌زیستند که آنان نیز متهم به غلو و نقل از ضعفا بودند، ولی توسط احمد اشعری از قم اخراج نگردیدند؛ که می‌توان دلیل اصلی این تناقض تصمیم را در صاحب‌نظر بودن، داشتن تألیفات مهم، نفوذ فکری و علمی گروه اخراج‌شده در سطح جامعه و همچنین تأثیرپذیری عموم از تفکرات آنان دانست و نقل روایات زیاد در کتب معتبر حدیثی از این افراد نیز دلیلی محکم بر این ادعاست (طالقانی، ۱۳۹۱ش: ۹۸).

درنهایت، احمد اشعری وی را به قم بازگردانده و از او عذرخواهی نموده (ابن‌غضائری، ۱۴۲۲ق: ۳۹؛ ابن‌داود حلی، ۱۳۸۳ق: ۴۲۱) و با پای برهنه و پشیمان بر سر جنازهٔ وی حاضر شد تا خود را از اتهاماتی که به احمد برقی نسبت داده بود، مبرا سازد (حلی، ۱۴۱۱ق: ۱۴؛ شوشتری، ۱۴۱۰ق: ۵۹۰) و سرانجام وی در سال ۲۷۴ق یا ۲۸۰ق دارفانی را وداع گفت (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۷۷) و جسد مطهر آن محدث بزرگ را در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپردند.

#### ۵. اوضاع سیاسی، اجتماعی قم اشعری در قرن سوم قمری از نگاه نیومن

به گواهی تاریخ، گروهی از اشعریان شیعی مذهب با به قدرت رسیدن حجاج خلیفهٔ عباسی در اواخر قرن اول هجری قمری به قم مهاجرت کردند. ایشان به واسطهٔ فعالیت‌های علمی، سیاسی و داشتن افراد و اموال زیاد و با داشتن سیاست‌های عمرانی، اقتصادی و فرهنگی توانستند در قم یک دولت-شهر شیعی تشکیل دهند که توانست قریب به سه سده بر جامعهٔ قم حکمرانی کند و موفق شد در این دوران میراث عظیم و منحصر به فردی برای مکتب امامیه بر جای گذارد (حیدر سرلک و مهریزی، ۱۳۹۱ش: ۴۷). در ادامه نیز توانستند با توجه به پیوندهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی موجود میان سایر مناطق مرکزی ایران زمینهٔ نشر و بسط تشیع را در سایر مناطق فراهم کنند؛ به نحوی که شهر ری به تأثیرپذیری از قم، به تشیع امامی گروید (جعفریان، ۱۳۸۲ش، ج ۱: ۴۰۴).

می‌توان طبق آنچه در کتاب تاریخ قم که در قرن چهارم تألیف گردیده و به بیان جغرافیای منطقهٔ قم و همچنین به‌طور گسترده‌تر به شرح حال عالمان و محدثان و رجال این شهر پرداخته

است، مهم‌ترین دستاورد حکومت اشعری را در تبلیغ و گسترش تشیع دوازده‌امامی دانست؛ زیرا با رسمیت بخشیدن به این مکتب در شهر قم توانستند آنجا را محلی امن برای تجمع و پناه دادن به سادات علوی و سایر پیروان این مکتب به دور از حکومت عباسی بدانند (قمی، ۱۳۶۱ش: ۵۳۶-۵۴۷).

از مهم‌ترین ویژگی‌ها و شاخصه‌های این مکتب می‌توان به مواردی همچون «پذیرش خبر واحد در همه عرصه‌های دینی اعم از فقهی، اعتقادی و...»، «محدود دانستن دامنه ورود عقل تا مواردی که ائمه علیهم‌السلام و روایات رسیده از ایشان بیان می‌دارد»، «روی خوش نشان ندادن به کلام عقلی متکلمانی چون هشام بن حکم و نسل علمی وی تا یونس بن عبدالرحمن و فضل بن شاذان»، مبارزه با جبر، تشبیه، تجسیم و... اشاره کرد (شریعتمداری، ۱۳۹۴ش: ۱۱۰).

از آنجاکه وضعیت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هر عصر بدون شک بر نوع و نحوه فعالیت عالمان و محدثان جامعه تأثیرگذار بوده، توجه به موقعیت و شرایط حاکم بر دوره حیات یک محدث، نقش مهمی در فهم و بررسی نگارش‌های روایی وی دارد.

تأثیراتی که می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم خود را نشان بدهد، در مورد اول برخی از شرایط حاکم بر جامعه می‌توانسته باعث محدود شدن نگارش‌ها و یا توجه خاص محدثان به تألیف برخی از معارف دینی باشد و از آنجاکه کتب حدیثی محصول بازآفرینی و گزینش آنان از بین تعداد زیادی از اخبار وارده موجود بوده، به طور حتم نیاز درونی جامعه یکی از اساسی‌ترین محورهای در این گزینش بوده است (توحیدی‌نیا و صفری فروشانی، ۱۳۹۴ش: ۱۲-۱۳)؛ مسئله‌ای که نیومن درباره علل تألیف سه کتب حدیثی متقدم شیعه در کتابش بدان‌ها اشاره می‌کند. همچنین در مورد اثرگذاری غیرمستقیم شرایط جامعه در زمان نگارش یک اثر، می‌توان به پذیرش یا عدم پذیرش برخی روایات که گاه برخلاف واقع نیز بوده است، اشاره کرد (زرین‌کوب، ۱۳۸۵ش: ۱۴۰).

نیومن نیز در این باره می‌نویسد: «مقایسه تفصیلی‌تر بین نکات خاص کلام شیعه دوازده‌امامی موجود در بصائر الدرجات و کتاب الحجة کافی، با وضوح بیشتری نشان می‌دهد شرایطی که هریک از این دو مؤلف در آن فعالیت می‌کردند تا چه حد در گزینش‌های خاصشان دخیل بوده است» (نیومن، ۱۳۸۶ش: ۳۱۸).



بررسی نظرات نیومن دربارهٔ علل اخراج احمد بن محمد بن خالد برقی از قم، محمدحین صانعی پور و همکاران ۱۶۱

گزارش‌های متعدد تاریخی در مورد اختلاف‌ها و نزاع‌های سیاسی و گاه نظامی بین اجتماع شیعی قم و دولت مرکزی بغداد ذکر شده است؛ موضوعی که نیومن نیز بارها در کتابش بدان اشاره می‌کند.

نیومن در ترسیم فضای سیاسی و اجتماعی "قم اشعری" چنین می‌نویسد: «قم در پی ورود اشعریان و موالی ایشان به این منطقه از لحاظ مادی و معنوی جان کاملاً تازه‌ای گرفت. گرویدن خاندان اشعری به مذهب امامیه و ظهور ایشان به مثابهٔ رهبران سیاسی و معنوی شهر موجب گردید قم تا قرن سوم ه.ق به یک مأمن شیعی و به‌ویژه دوازده‌امامی اشتهاار یابد... و لذا در معرض تلاش‌های مکرر سیاسی و به‌خصوص نظامی حکومت عباسی، برای کنترل این شهر و اخذ مالیات زمین از ساکنان آن و متقابلاً تلاش‌های مکرر ساکنان برای ممانعت از ممیزی زمین و امتناع از پرداخت مالیات بوده است» (همان: ۷۵-۷۶).

در این باره نیز گزارشی به نقل از شیخ طوسی در الرجال، دربارهٔ درخواست دعای مردم قم از امام حسن عسکری (علیه السلام) در زمان یکی از این حملات و اجابت این درخواست، ثبت شده است (طوسی، ۱۳۸۱ق: ۴۴۶).

در مجموع، نیومن با ترسیم یک بوم منطقه‌ای از اوضاع و احوال جامعهٔ تشیع قم در آن عصر و با در نظر گرفتن ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی آن زمان به بیان علل نگارش کتاب المحاسن توسط احمد برقی و به تبع آن نحوهٔ برخورد خواص و عوام جامعه با این اقدام پرداخته و پس از ذکر این موضوع، مسئلهٔ اخراج وی از قم را تبیین نموده است.

## ۶. نظرات گوناگون دربارهٔ علل اخراج احمد برقی از قم

نکتهٔ تأمل‌برانگیز در زندگی احمد برقی که او را از سایر محدثان هم‌عصر خویش متمایز ساخته، موضوع اخراج وی توسط احمد اشعری بزرگ قمیین در آن دوران و سپس بازگشت وی به قم است. در ابتدا با مطالعهٔ زندگی‌نامهٔ احمد برقی در کتب رجال امامیه، متوجه یک سری ناهمخوانی و ناهماهنگی در اقوال نقل‌شده دربارهٔ شخصیت وی می‌شویم؛ برای نمونه:

همانندی زیاد عبارات به‌کاررفته در الرجال نجاشی و الفهرست طوسی در مورد شخصیت احمد برقی می‌تواند نشان از اقتباس این مطلب توسط آن‌ها از یک منبع مشترک باشد؛ زیرا

هیچ‌یک به موضوع اخراج و سپس بازگشت وی به قم اشاره‌ای نکرده‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۷۷-۷۶؛ طوسی، ۱۴۱۷ق: ۱۱۶)؛ در حالی که ابن‌غضائری به این موارد در بیان شرح حال او اشاره کرده است (ابن‌غضائری، ۱۴۲۲ق: ۳۹).

بنابراین می‌بایست با نگاهی دقیق‌تر و تأملی بیشتر به بررسی علل این اختلاف نقل‌ها درباره شخصیت احمد برقی و همچنین وقایع اتفاق افتاده درباره موضوع اخراج وی پرداخته شود. درباره علل اخراج احمد برقی، عده‌ای معتقدند دلایل اخراج این افراد، فقط انحراف در عقیده نبوده بلکه اخراج‌شدگان گروهی اجتماعی و فعال بودند که حضور ایشان در قم در شرایط سیاسی آن زمان برای بقای جامعه شیعی قم مناسب نبود (طالقانی، ۱۳۹۱ش: ۹۲) و به نوعی این موضع بزرگان قم به معنای مخالفت با ایجاد جریانی در روند حدیث شیعه بود که به اعتقاد برخی، مهم‌ترین اثر آن گرایش به اباحیگری در نقل حدیث بود (بهرامی و حسینی، ۱۳۹۱ش: ۱۱۰) و به عبارتی، این امر نشان از رویه‌ای جاری در شیوه برخورد احمد اشعری با طیفی از روایان داشت و در این میان، آنچه موضوع اخراج احمد برقی از سایر روایان اخراج‌شده را متفاوت می‌کند، مسئله بازگشت وی به قم است (شیرزاد و همکاران، ۱۳۹۶ش: ۶۴).

قدرت علمی احمد اشعری و همچنین نفوذ اجتماعی و سیاسی وی که در ملاقات‌های او با سلطان قم نیز هویداست، چنان قدرتی به وی بخشیده بود که می‌توانست روایانی را که اصول و ضوابط محدثانه وی را رعایت نمی‌کردند، اخراج نماید (خرسان، ۱۴۰۷ق: ۴۳؛ پاکتچی، ۱۳۹۱ش: ۱۳۰-۱۳۱)؛ به گونه‌ای که این رفتار به یک عادت و روشی خاص در آن مقطع زمانی برای مقابله با متهمان به غلو و ناقلان از ضعفا توسط وی تبدیل گردیده بود (بخشی جویباری، ۱۳۹۳ش: ۱۴۶) و در دوره‌ای که وی عنوان بزرگ‌قمین را داشت، برای حفظ این شهر و مکتب علمی آن، جلوی هرگونه کاری را که موجب تحریک حکومت می‌شد، می‌گرفت و برای او حفظ و گسترش شیعه و نشر حدیث اهل بیت (علیهم‌السلام) بیش از درگیری با حکومت که نتیجه آن شکست و ضعف شیعیان بود، ارزش داشت (کریمی، ۱۳۹۷ش: ۵).

البته باید دقت داشت که برای جلوگیری از نشر روایات انحرافی توسط یک راوی، لزوماً اخراج وی لازم نیست و روش مشهور بین علمای متقدم، تذکر به فساد میراث حدیثی وی و نهی از روایت او در این زمینه بوده است.

بررسی نظرات نیومن دربارهٔ علل اخراج احمد بن محمد بن خالد برقی از قم، محمدحسین صاعی پور و همکاران ۱۶۳

نکتهٔ درخور تأمل دیگر اینکه گستردگی دانش تاریخی و ادبی احمد برقی سبب شده بود تا همانند سایر مورخان قبل از خویش، متهم به نقل از افراد ضعیف شود؛ زیرا زمانی که محدثی به نقل‌های تاریخی روی می‌آورد، برای تکمیل کارش از بسیاری از افراد نقل خواهد کرد و درست همین جاست که کسانی که با برخی از نقل‌های وی به علل مختلفی از قبیل اعتقادی، سیاسی و... سر سازگاری ندارند، او را متهم به ضعف می‌کنند؛ لذا به همین دلیل است که به ندرت مورخی را در آن عصر می‌توان یافت که از حملات رجال‌شناسان مصون مانده باشد (جعفریان، ۱۳۷۶ش: ۶).

با توجه به مطلب فوق، باید یکی از علل مهم در اخراج احمد برقی را تمایز در مبانی فکری وی با احمد اشعری دانست و لذا مخالفت احمد اشعری با این نوع رویکرد جامع‌گرایانه و گستردهٔ احمد برقی به احادیث از زمینه‌های اصلی این اقدام بوده است.

عده‌ای دیگر از تعلق احمد برقی به جریانی موصوف به «ادب» سخن گفته‌اند؛ از جمله: الف) اهتمام به فنون دیوان‌سالاری و خراج؛ به استناد وجود ابوابی در محاسن با عناوین «الشعر»، «النحو» که با دانش‌های ادبی و نویسندگی در ارتباط است و همچنین باب «المساحه» و همچنین گزارش‌های تاریخی رسیده در خصوص جلسات برگزار شده توسط احمد برقی در رابطه با دانش‌های ادبی و فنون نویسندگی؛ نکته‌ای که ابن حجر عسقلانی نیز اکثر آثار وی را در این زمینه می‌داند و می‌نویسد: «له تصانیف جملة ادبیه» (عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ج ۱: ۳۶۸)؛ ب) به‌گزینی دانش‌ها به‌جای تخصص‌گرایی که در اصطلاح ادب‌پژوهان به آن «ادب عام» (آذرنوش، ۱۳۷۷ش: ۳۰۳) گفته می‌شود (شیرزاد و همکاران، ۱۳۹۶ش: ۶۶-۶۹) و وجود این تنوع موضوعی در کتاب المحاسن را دلیلی روشن بر این روش حدیث‌پژوهی احمد برقی می‌دانند.

در این باره، ذهبی نیز بارزترین ویژگی احمد برقی را تألیف آثاری در گسترهٔ همهٔ فنون می‌داند و می‌نویسد: «الْف في كل فن» (ذهبی، ۱۹۹۳م، ج ۲۰: ۲۸۲) که انتخاب عنوان المحاسن و برگزیدن نکاتی پرفایده از هر علم مطابق با عناوین متنوع کتاب المحاسن با هدف تأمین سعادت دنیوی و اخروی مخاطبانش را می‌توان در همین راستا دانست؛ امری که نشان از اهتمام وی به جمع‌آوری طیف وسیعی از موضوعات، دانش‌ها و فنون روزگار خویش داشته است.

نکته مهم دیگر در مورد عبارت «یروی عن الضعفا و یعتمد المراسیل» که رجال شناسان احمد برقی را بدان منتسب کرده‌اند، این است که نباید از آن چنین برداشت شود که وی محدثی سهل‌انگار در زمینه نقل حدیث بوده که به دلیل بی‌توجهی به ضوابط نقل حدیث از قم اخراج گردیده (خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۶۶-۶۷؛ سبحانی، ۱۴۱۴ق: ۲۷۵-۲۷۶)؛ بلکه به دلایل ذکرشده فوق و با توجه به هدفی که در نگارش المحاسن داشته، یعنی نقل روایات گوناگون با مضامین صحیح در عرصه‌های مختلف، در این خصوص خود را ملزم به رعایت ضوابط سخت‌گیرانه محدثان در نقل روایات نمی‌دیده، بلکه با دیدگاهی جامع‌نگر و با هدف نقل روایات با محتوای صحیح، دست به نگارش کتب خویش زده است.

نمونه دیگر در این خصوص، تألیف کتاب المساحه به معنای مساحت و پیمودن زمین است؛ امری که نشان از توجه او به تربیت دبیرانی خبره در دیوان خراج دارد؛ دبیرانی که با تسلط بر علم حساب و مبانی هندسه، توانایی پیمایش املاک جهت ستاندن خراج را داشتند (شیرزاد و همکاران، ۱۳۹۶ش: ۷۵-۷۶).

بنابراین می‌توان این نوع رفتار و اقدام احمد برقی در تربیت چنین افرادی با داشتن توانایی و مهارت در محاسبه امور مرتبط با زمین و املاک را، با در نظر گرفتن اوضاع و احوال آن روزگار مردم قم و مشکلات اساسی آنان در آن دوران به واسطه فشارهای حکومت مرکزی بر سر اخذ مالیات از زمین و به خصوص نحوه محاسبه آن را، همان‌طور که نیومن نیز در چند مورد بدان اشاره دارد (نیومن، ۱۳۸۶ش: ۷۵-۷۶ و ۱۸۷)، از دیگر عوامل مهم و زمینه‌ساز در موضوع اخراج وی از قم توسط احمد اشعری بیان نمود.

نکته دیگر درباره شخصیت احمد برقی، رابطه وی با دیوان‌سالاران بوم‌های اطراف قم است. برای نمونه، وی پس از اخراج از قم به ری مهاجرت کرد و به دلیل روابط نزدیکش با ماذرایی دیوان‌سالارِ دربار اذکوتکین (از امرای ترکی بوده که از جانب خلفای عباسی به امارت ری گمارده شده بود؛ ابن‌اثیر، ۱۹۹۷م، ج ۶: ۳۱۶) در ری که به گواهی تاریخ اولین فردی بوده که در ری مذهب تشیع را به رسمیت شناخته، در منزل وی رحل اقامت گزید (محدث ارموی، ۱۳۷۱ق، ج ۱: ۳۱) و ملاحظه این روابط سیاسی احمد برقی نیز می‌تواند از عوامل مهم دیگر درباره مسئله مورد بحث تلقی گردد.

بررسی نظرات نیومن دربارهٔ علل اخراج احمد بن محمد بن خالد برقی از قم، محمدحین صاعی پور و همکاران ۱۶۵

در خصوص بازگشت وی به قم نیز عده‌ای معتقدند در درجهٔ اول، شخصیت، جایگاه و قدرت علمی و سپس پیوندها و مناسبات احمد برقی با مراکز سیاسی، اقتصادی قدرت‌های حاکمهٔ قم و اطراف آن از عوامل مهم در بازگشت وی بوده است. به عبارتی دیگر، اخراج وی می‌توانست چالش‌های بسیاری را در قم ایجاد کند؛ موضوعی که دربارهٔ سایر اخراج‌شدگان همچون سهل بن زیاد یا ابوسمیه صدق نمی‌کرد (شیرزاد و همکاران، ۱۳۹۶ش: ۷۳-۷۷).

#### ۷. نظر نیومن دربارهٔ علل اخراج احمد برقی از قم

با توجه به آنچه در بخش‌های قبلی بیان شد، می‌توان چنین برداشت کرد که در آن برهه و در بین شمار کثیری از راویان و محدثان حدیثی مکتب قم، روش حدیث‌پژوهی احمد برقی بدون شک در شیوهٔ روایتگری و نحوهٔ ارتباط‌گیری آن با سایر خطوط فکری مخالف با جو غالب آن جامعه و همچنین استفاده از سایر منابع حدیثی با احمد اشعری تمایز نظر داشته است.

اکنون به ذکر موارد بیان‌شده توسط نیومن دربارهٔ علل اخراج احمد برقی و همچنین عوامل مؤثر در بازگشت وی به قم پرداخته می‌شود.

نیومن در این باره می‌نویسد: «راویان قمی و به خصوص اشعری در این دوره دست‌کم در بعضی موارد روایات را از کسانی دریافت کرده‌اند که بعداً به‌عنوان غیرقابل اعتماد نکوهش شده‌اند - افرادی از قبیل محمد بن سنان، حسین نوفلی، سعد اسکاف، سلمه بن خطاب، سهل بن زیاد و... - شاید تمسک به روایاتی که چنین افرادی نقل کرده‌اند، عامل اخراج احمد برقی توسط احمد اشعری از قم بود. در این صورت، استقبال گرم احمد اشعری از برگشت احمد برقی به شهر به‌همراه شیوهٔ متواضعانهٔ شرکت او در مراسم تشییع جنازهٔ احمد برقی، می‌تواند روی هم‌رفته از این حکایت داشته باشد که در دوران پس از غیبت امام علیه السلام و با توجه به فشارهای مستمر سیاسی، نظامی و معنوی بر قم، کار احمد برقی به‌طور خاص و کار جمع‌آوری روایات به‌طور کلی، دارای اهمیت بیشتری برای زندگی جامعه و شهر قم در آن زمان انگاشته شد» (نیومن، ۱۳۸۶ش: ۴۵۹-۴۶۰).

همچنین معتقد است: «استقبال اشعری از بازگشت احمد برقی به قم و مشارکت آشکار او در تدارک کفن و دفن وی به‌معنای اعراض بسیار آشکار او از حکم منفی اولیه‌اش در مورد

وثاقت احمد برقی است» (همان: ۲۲۱) و می نویسد: «اخراج احمد برقی از قم به خاطر نقل روایت از راویان ضعیف در زمان حیات احمد برقی توسط خود طرفداران اخراج او نیز بی اعتبار اعلام شد» (همان: ۷۶-۷۷).

وی همچنین در فصل چهارم نیز در ضمن بررسی احوال احمد برقی می نویسد: «رفتار احمد اشعری، حاکی از این است که رئیس طایفه، شهر و مذهب و خلف بلافصل اولین طایفه اشعری که در قم ساکن شد، از این طریق، به اشتباه خود در اخراج احمد برقی و بی اساس بودن تهمت‌هایی نظیر آنچه علیه وی مطرح کرده بود، اذعان نمود» (همان: ۱۹۰).

با توجه به موارد ذکر شده فوق، نیومن معتقد است دلیل اتهام نقل از ضعفا به عنوان یک احتمال ضعیف در این رابطه قابل طرح است و عامل اصلی در این اقدام و همچنین در بازگشت احمد برقی به قم، تغییر نوع نگاه و درک بیش از پیش اهمیت کار وی در دوران پس از غیبت امام عصر علیه السلام در آن برهه از تاریخ پرالتهاب جامعه شیعی قم است، که در بخش بعدی به تحلیل و بررسی آراء نیومن در این باره خواهیم پرداخت.

#### ۸. تحلیل و بررسی نظر نیومن درباره علل اخراج احمد برقی از قم

چنان‌که بیان شد، نیومن در این باره دو نظریه مطرح می‌کند: اولاً معتقد است که عامل نقل از ضعفا، یک دلیل فرعی و در حد یک احتمال مطرح است و موضوع بازگشت احمد برقی به قم را، دلیلی محکم بر مدعای خویش می‌داند؛ زیرا معتقد است که در فاصله زمانی بین اخراج و بازگشت وی به قم، تغییری در نوع دیدگاه احمد اشعری در رابطه با وثاقت راویان متهم به ضعفی که احمد برقی از آن‌ها نقل حدیث کرده بود، ایجاد نشده بود. به بیان صریح‌تر اینکه راویان ضعیفی که احمد برقی متهم به نقل از آنان شده بود، مورد توثیق قرار نگرفته و تغییری در وضعیت جرح و تعدیل رجالی آنان در آن برهه صورت نگرفته بود.

درباره این نظر نیومن ابتدا به چند نکته اشاره و سپس به بررسی آن پرداخته می‌شود:

نکته اول: نمونه‌های دیگری از این اتهام‌زنی‌های احمد اشعری در تاریخ ذکر گردیده که عالمان رجالی بدان ایراد گرفته‌اند. برای نمونه، نجاشی در مورد علی بن محمد بن شیر قاسانی می‌نویسد: «علی بن محمد، فقیهی اهل فضل بود و حدیث فراوان داشت، ولی احمد بن

بررسی نظرات نیومن دربارهٔ علل اخراج احمد بن محمد بن خالد برقی از قم، محمدحسین صاعی پور و همکاران ۱۶۷

عیسی بر او خرده گرفت و گفت که او از مذاهب ناشناخته‌ای حدیث شنیده است، اما در کتاب‌های علی بن محمد مطلبی که بر چنین مذاهب ناشناخته‌ای دلالت کند، وجود ندارد» (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۲۵۵). بنابراین صحت اتهام مطرح شده به احمد برقی نیز جای تأمل و بررسی دارد.

نکتهٔ دوم: وجود دوگانگی در رفتار احمد اشعری؛ برای نمونه، نقل زیاد روایات محمد بن سنان توسط احمد اشعری و همچنین عدم اخراج وی در برهه‌ای که افرادی از قبیل احمد برقی به همین اتهام از شهر اخراج شده بودند.

نکتهٔ سوم: نکتهٔ دیگر اینکه اخراج محدثان از قم، فقط در زمان ریاست احمد اشعری رخ داده و لذا نمی‌توان این نوع برخورد را نوعی روش قطعی و معمول در مواجهه با راویان متهم به نقل از ضعفا در مکتب قم دانست؛ اما می‌توان یک سری نظرات شخصی و یا به نوعی مصلحت‌اندیشی‌های فردی یا سیاسی را در آن دخیل دانست.

در مجموع با توجه به سه نکتهٔ فوق که در رابطه با نظریهٔ اول نیومن در مورد اخراج احمد برقی مطرح گردید، همچنین با در نظر گرفتن نوع برخورد احمد اشعری در بازگرداندن احمد برقی به قم و عذرخواهی از وی، و نیز استفاده و بهره‌مندی علمای بزرگ حدیثی از کتاب المحاسن، و از همه مهم‌تر این نکته که بدون شک در فاصلهٔ زمانی بین اخراج و بازگشت احمد برقی به قم، قطعاً در وضعیت رجالی راویان متهم به ضعفی که احمد برقی از آنان نقل حدیث کرده بود، تغییری ایجاد نشده بود (به عبارتی دیگر، در دیدگاه رجالی احمد اشعری دربارهٔ آن دسته از راویانی که به اعتقاد وی متهم به ضعف بودند و احمد برقی از آنان نقل روایت کرده بود، تغییری حاصل نشده بود)، این نظریهٔ اول نیومن مبنی بر عامل فرعی بودن اتهام نقل از ضعفا در رابطه با موضوع اخراج احمد برقی، منطقی و قابل پذیرش است.

حال به نقد نظریهٔ اصلی نیومن (نظریهٔ دوم) در این باره پرداخته می‌شود. وی معتقد است که عامل اصلی در موضوع اخراج احمد برقی، تلقی عدم نیاز به نگارش کتابی جامع در جامعهٔ شیعی قم در آن برهه، که به اعتقاد غالب افراد جامعه، امام غایب در آینده‌ای نه‌چندان دور و درحالی‌که هنوز فرد جوانی است، ظهور پیدا کرده و خواهند توانست تمام مسائل و مشکلات خویش را به واسطهٔ حضور امام برطرف سازند. لذا این اقدام احمد برقی به عنوان یکی از موالی

خانندان اشعری مورد مقبولیت عوام و به‌ویژه خواص جامعه واقع نگردید؛ در نتیجه احمد اشعری به‌عنوان بزرگ‌قمیین، این اقدام را نوعی سنت‌شکنی و باعث برهم زدن جوّ یکپارچه اعتقادی جامعه نوپای قم دانسته و لذا تصمیم به اخراج وی از قم می‌گیرد؛ اما با گذشت زمان و عدم تحقق باورهای اعتقادی جامعه مبنی بر ظهور زود هنگام امام غایب علیه السلام و به تبع آن فهم و درک اهمیت کار وی برای حفظ و بقای جامعه شیعی قم با آن شرایط خاص در آن برهه از تاریخ، منجر به تغییر رفتار احمد اشعری در رابطه با احمد برقی شده و در نتیجه اقدام به بازگرداندن وی به قم و عذرخواهی از او نموده است.

نیومن در ضمن طرح بحث عدم پذیرش مرجعیت شیعی نواب اربعه بغداد توسط قمی‌ها و اشعری‌ها، یکی دیگر از دلایل این نظریه خویش را چنین بیان می‌کند: «چنین ردّ صریحی تنها می‌تواند منعکس‌کننده این دیدگاه قمی‌ها باشد که چنین اختیاراتی واگذار نشده است و اگر امام نتوانست در چهلمین سالگرد تولدش یا پیش از آن بازگردد، بنابراین به همین دلیلی که اختیارات را واگذار نکرده است، انتظار می‌رود هرچه زودتر مراجعت کند» (نیومن، ۱۳۸۶ ش: ۳۷۸).

درباره این نظر نیومن نیز ابتدا به چند نکته اشاره و سپس به نقد و بررسی آن پرداخته می‌شود: نکته اول اینکه موضوع غیبت امام زمان علیه السلام از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و پس از آن توسط حضرات معصومین علیهم السلام برای مردم توضیح و تبیین گردیده بود؛ لذا مسئله غیبت امام عصر علیه السلام یک موضوع قابل انتظار برای جامعه شیعی بوده و مسئله آگاهی بخشی اهل بیت علیهم السلام درباره موضوع غیبت امام زمان علیه السلام، با مستندات و ادله‌های متعدد تاریخی و روایی موجود در مجموعه‌های مختلف قابل اثبات و استناد است.

برای نمونه، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مهدی از فرزندان من است، هم‌نام و هم‌کنیه من است، او شبیه‌ترین شخص نسبت به من از نظر صورت و سیرت است. او دارای غیبتی است که مردم حیران هستند؛ به حدی که مردم از دینشان برمی‌گردند. در این زمان است که او همانند ستاره نفوذکننده خواهد آمد و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد؛ همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده است» (صدوق، ۱۳۹۵ ق، ج: ۱، ۲۸۷).

نکته دوم اینکه علاوه بر اشاره به مسئله اصلی غیبت امام علیه السلام در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، روایات رسیده از انمه علیه السلام، به برخی از جزئیات این مسئله از قبیل داشتن دو نوع غیبت برای امام اشاره



بررسی نظرات نیومن دربارهٔ علل اخراج احمد بن محمد بن خالد برقی از قم، محمدحسین صانعی پور و همکاران ۱۶۹

کرده‌اند؛ موضوعی که با در نظر گرفتن تقارن ایام حیات احمد برقی با دوران غیبت صغرای امام عصر علیه السلام و حضور نواب ایشان در بین مردم، یکی از نکات مهم در نپذیرفتن نظریهٔ نیومن در این رابطه است.

برای نمونه، امام صادق علیه السلام فرمود: «برای قائم علیه السلام دو غیبت است که یکی کوتاه و دیگری طولانی خواهد بود. در غیبت اول کسی جایگاه او را نمی‌داند؛ مگر شیعیان خاص آن حضرت و در غیبت دیگر کسی جایگاهش را نمی‌داند مگر خادمان خاص ایشان» (کلینی، ۱۳۶۲ش، ج ۲: ۱۶۰).

حال با توجه به دو نکتهٔ فوق به بررسی نظر نیومن در این باره پرداخته می‌شود. چنان‌که بیان شد، نیومن عامل عدم احساس نیاز به نگارش کتاب المحاسن به‌عنوان اولین دایرةالمعارف بزرگ روایات شیعی را در دوران پس از غیبت امام عصر علیه السلام، آن‌هم از طرف یکی از موالی خاندان اشعری را که نوعی سنت‌شکنی و مغایر با انتظارات و باورهای اعتقادی جامعهٔ شیعی قم مبنی بر ظهور زودهنگام امام عصر علیه السلام در آن ایام بود، عامل اصلی در اخراج احمد برقی از قم می‌داند؛ مسئله‌ای که به اعتقاد وی منجر به عدم پذیرش عمومی و به تبع آن خواص جامعهٔ شیعی و به‌ویژه شخص احمد اشعری از این اقدام احمد برقی گردید.

در حالی که با توجه به دو نکتهٔ ذکرشدهٔ فوق مبنی بر آمادگی جامعهٔ شیعی برای پذیرش ایام غیبت امام عصر علیه السلام با توجه به آگاهی بخشی و زمینه‌سازی‌های قبلی صورت‌گرفته توسط اهل بیت علیهم السلام در طول سال‌های متمادی، حضور ایشان در جامعه و همچنین این نکته که جامعهٔ شیعی قم در زمان نگارش کتاب المحاسن و وقایع اتفاق افتاده دربارهٔ احمد برقی، مقارن با ایام غیبت صغرای امام عصر و حضور نواب ایشان در بین جامعهٔ شیعی بوده است؛ لذا آنان کاملاً با اوضاع و احوال ایام غیبت امام عصر علیه السلام درگیر و آشنا بوده‌اند و لذا نظر نیومن در این رابطه مبنی بر ناآگاهی جامعهٔ شیعهٔ آن عصر از اصل موضوع غیبت امام و همچنین شرایط ایام غیبت ایشان به‌عنوان عوامل اصلی و زمینه‌ساز در موضوع اخراج احمد برقی از قم، قابل‌خنده است. در ادامه، نیومن دلیل اصلی رفتار احمد اشعری در بازگرداندن احمد برقی به قم و معذرت‌خواهی از وی را، تغییر در باورهای اعتقادی جامعه و به‌ویژه احمد اشعری و فهم و درک اهمیت کار احمد برقی در حفظ و بقای جامعهٔ نوپای شیعی قم به‌واسطهٔ عدم تحقق باورهای

اعتقادی قبلی ایشان مبنی بر ظهور زود هنگام امام عصر علیه السلام در آن ایام می‌داند، که این مطلب وی نیز با توجه به همان ادله مطرح شده در بالا، فاقد پشتوانه علمی بوده و پذیرفتنی نیست. در مجموع به نظر می‌رسد عوامل تأثیرگذار دیگری از جمله تمایزهای موجود بین مبانی اعتقادی و فکری بین احمد اشعری و احمد برقی در مواردی از قبیل تفاوت در روش حدیث پژوهی و نقل روایات و به ویژه برخی اختلاف نظرهای سیاسی بین آن‌ها و به تبع آن هراس احمد اشعری از شکل‌گیری جریانی اعتقادی، سیاسی متفاوت با جریان حاکم بر جامعه، که منجر به برهم زدن یکپارچگی جامعه شیعی نوپای قم می‌شد، زمینه‌ساز تصمیم احمد اشعری در اخراج احمد برقی از قم بوده است؛ عواملی که بعدها پس از فهم اشتباه بودن آنان، احمد اشعری برای جبران آن اقدام نموده است.

#### ۹. نتیجه‌گیری

اکثر محدثان و رجالیان شیعی به استناد سخن نجاشی درباره احمد برقی مبنی بر ویژگی وی در نقل از ضعف و اعتماد به مراسیل، این نکته را دلیل اصلی مرتبط با موضوع اخراج وی از قم مطرح کرده‌اند. همچنین عده‌ای نیز معتقدند که برخی از وابستگی‌های علمی، سیاسی و اقتصادی احمد برقی به جریان‌های مخالف با دولت اشعری، عامل اصلی این اقدام بوده است. دکتر آندره جی نیومن نیز در کتاب خویش با عنوان فارسی دوره شکل‌گیری تشیع دوازده‌امامی؛ گفت‌وگو میان حدیثی میان قم و بغداد، در ضمن طرح مباحث خویش، به بررسی این موضوع به‌عنوان اتفاقی تأمل‌برانگیز در آن عصر پرداخته و سخنان فوق را به‌عنوان یک احتمال و دلیل ضعیف در این خصوص مطرح دانسته است.

نیومن ناآگاهی جامعه شیعی نوپای قم را در آن برهه درباره مسئله غیبت امام عصر علیه السلام و داشتن باورهای اعتقادی ایشان مبنی بر ظهور زود هنگام امام غایب علیه السلام در حالی که هنوز فرد جوانی است، زمینه‌ساز عدم مقبولیت و عدم پذیرش کار احمد برقی و به تبع آن اقدام احمد اشعری در اخراج وی از قم به دلیل حفظ باورهای اعتقادی جامعه بیان داشته و بنابراین معتقد است عدم احساس نیاز به نگارش چنین تألیفاتی با این حجم گسترده آن‌هم از طرف یکی از موالی‌خاندان اشعری و به ویژه در آن برهه حساس را علت اصلی این موضوع می‌داند و با

ترسیم فضای بوم‌شناسی آن جامعه، موضوع استقبال آنان از بازگشت احمد برقی را پس از عدم تحقق باورهای اعتقادی خویش و به تبع آن درک اهمیت کار وی در آن برهه برای حفظ جامعهٔ شیعی تحت محاصره با آن شرایط سخت سیاسی و اجتماعی را از دلایل نظریهٔ خویش می‌داند. اما با توجه به ادله‌های تاریخی موجود و روایات متعدد رسیده از پیامبر ﷺ و معصومین علیهم‌السلام در مسئلهٔ آگاهی‌بخشی و همچنین زمینه‌سازی‌های فکری و عملی ایشان برای جامعهٔ شیعی در طی سال‌های حضور ائمه علیهم‌السلام در جهت درک و پذیرش صحیح دوران غیبت امام غایب علیه‌السلام، این نظریهٔ وی پذیرفتنی نیست.

در مجموع می‌توان تفاوت‌های بین مبانی فکری و اعتقادی، اقتصادی و سیاسی بین احمد اشعری به‌عنوان بزرگ‌قمین و احمد برقی به‌عنوان یکی از موالی این‌خاندان را، زمینه‌ساز و جزو علل اصلی در قضیهٔ اخراج احمد برقی از قم دانست؛ عواملی که به‌زعم اشعری باعث برهم زدن یکپارچگی جریان اعتقادی، سیاسی و اقتصادی جامعهٔ نوپای شیعی قم در آن شرایط حساس بوده که بعدها پس از فهم اشتباه این تصمیم، برای جبران آن اقدام نموده است.

## منابع

آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۷۷ش). ادب. در دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دایرة‌المعارف اسلامی.

آقابزرگ تهرانی، محمد محسن. (۱۴۰۳ق). الذریعة الی تصانیف الشیعة. بیروت: دارالاضواء.

ابن اثیر، علی. (۱۹۹۷م). الکامل فی التاریخ. بیروت: دارالکتب العربی.

ابن داود حلّی، تقی‌الدین حسن بن علی. (۱۳۸۳ق). الرجال. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ابن طاووس، سید رضی‌الدین علی بن موسی. (۱۳۶۸ق). فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم. قم: دارالذخائر.

ابن عبدالغنی، عمر بن رضا بن محمد راغب. (۱۳۷۶ق). معجم المؤلفین. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

ابن غضائری، احمد بن حسین. (۱۴۲۲ق). الرجال. قم: دارالحدیث.

بخشی جویباری، محمدصادق. (۱۳۹۳). توثیق مشایخ احمد بن محمد بن عیسی اشعری در تراوی

نقد. علوم حدیث، شماره ۷۱، ۱۳۵-۱۶۱.

بهرامی، علیرضا، و حسینی، سید علیرضا. (۱۳۹۱). نگاه حوزه بغداد به روایان و آرای رجالی مدرسه

حدیثی قم. علوم حدیث، شماره ۶۵، ۱۰۷-۱۲۸.

پاکتچی، احمد. (۱۳۹۱ش). حوزه‌های کم شناخته و متقدم حدیث و معارف امامیه در عراق، شام و

مصر. صحیفه مبین، شماره ۵۲، ۱۲۵-۱۶۶.

توحیدلو، اکبر. (۱۳۹۴ش). وثاقت برقی با تأکید بر مشایخ او در کتاب المحاسن. نشریه علوم

حدیث، شماره ۷۸، ۱۴۳-۱۶۳.

توحیدی‌نیا، روح‌الله، و صفری فروشانی، نعمت‌الله. (۱۳۹۴ش). بررسی تحلیلی تاریخ نگاری روایی

امامیه تا نیمه قرن پنجم هجری. فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام، ۱۶(۴)، ۷-۴۲.

جعفریان، رسول. (۱۳۷۶ش). میراث فرهنگی شیعه در تاریخ محلی و جغرافیا. قم: نشریه آئینه

پژوهش، شماره ۴، ۲-۲۱.

جعفریان، رسول. (۱۳۸۲ش). تاریخ تشیع در شهر ری. مجموعه مقالات کنگره حضرت عبدالعظیم

حسنی. قم: دارالحدیث.

حسینی، غلام احیا. (۱۳۸۷ش). شیعه‌پژوهی و شیعه‌پژوهان انگلیسی‌زبان (۱۹۵۰-۲۰۰۶م). قم:

مؤسسه شیعه‌شناسی.

حلی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۱۱ق). خلاصة الأقوال فی معرفة احوال الرجال. قم: دارالذخائر.

حیدر سرلک، علی محمد، و مه‌ریزی، مهدی. (۱۳۹۱). اشعریان و تأسیس نخستین دولت شهر شیعه.

نشر ادیان.

خرسان، حسن. (۱۴۰۷ق). تحقیق بر مشیخه تهذیب الأحكام. تهران: دارالکتب الاسلامی.

خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۳ق). معجم رجال الحدیث. قم: انتشارات حوزه علمیه.

ذهبی، شمس‌الدین. (۱۹۹۳م). تاریخ الاسلام. بیروت: دارالکتب العربی.

زركلی دمشقی، خیرالدین بن محمود بن محمد. (۱۹۸۰م). الأعلام: قاموس تراجم لأشهر الرجال و

النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین. بیروت: دارالعلم للملایین.

زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۵ش). تاریخ در ترازو. تهران: انتشارات امیرکبیر.

سبحانی، جعفر. (۱۴۱۴ق). کلیات فی علم الرجال. چ ۳. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

شریعتمداری، حمیدرضا. (۱۳۹۴ش). واکاوی مواضع و تعابیر سید مرتضی (ره) درباره قمی‌ها. نشریه

بساتین. شماره ۳ و ۴، ۱۰۹-۱۱۶.

- بررسی نظرات نیومن دربارهٔ علل اخراج احمد بن محمد بن خالد برقی از قم، محمدحسین صانعی پور و همکاران ۱۷۳
- شوشتری، قاضی نورالله. (۱۴۲۶ق). مصائب النواصب فی الرد علی نواقض الروافض. قم: انتشارات دلیل ما.
- شوشتری، محمدتقی. (۱۴۱۰ق). قاموس الرجال. چ ۲. جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- شیرزاد، محمدحسن، شیرزاد، محمدحسین، و نورایی، محسن. (۱۳۹۶ش). جریان فکری ادب و بازخوانی دلایل اخراج و بازگشت احمد برقی به قم. نشریهٔ تحقیقات علوم قرآن و حدیث. شماره ۳۵، ۶۳-۸۱.
- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی. (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمه. تصحیح علی اکبر غفاری. تهران: اسلامیه.
- طالقانی، سید حسن. (۱۳۹۱ش). اخراج راویان از قم؛ اقدامی اعتقادی یا اجتماعی. فصلنامهٔ علمی پژوهشی فلسفه و الهیات، ۱۷(۳)، ۹۲-۱۰۵.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۱ق). الرجال. نجف: انتشارات حیدریه.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۷ق). الفهرست. تحقیق جواد قیومی. قم: نشر الفقاهه.
- عسقلانی، ابن حجر. (۱۳۹۰ق). لسان المیزان. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- فروغی ابری، اصغر، و بدیعیان فرد، ندا. (۱۳۹۷). بررسی و نقد دیدگاه هاینس هالم و آندره جی نیومن پیرامون حکومت اسلامی در زمان غیبت با ولایت نایب عام امام معصوم علیه السلام. نشریهٔ پژوهش های مهدوی، شماره ۲۶، ۳۹-۷۶.
- قمی، حسن بن محمد. (۱۳۶۱ش). تاریخ قم. ترجمهٔ حسن بن علی قمی. تحقیق سید جلال الدین تهرانی. تهران: انتشارات توس.
- کرمی، محسن. (۱۳۹۷ش). نگاهی تحلیلی به رفتار احمد بن عیسی در تبعید برخی از راویان. مجله دانش ها و آموزه های قرآن و حدیث، ۱(۱)، ۶۵-۸۱.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب. (۱۳۶۲ش). اصول کافی. چ ۲. تهران: اسلامیه.
- ماهقانی، عبدالله. (۱۳۵۲ق). تنقیح المقال فی علم الرجال. نجف: مطبعة المرتضویة.
- محدث ارموی، جلال الدین. (۱۳۷۱ق). مقدمه بر المحاسن. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- مسعودی، علی بن حسین. (۱۴۰۹ق). مروج الذهب و معادن الجوهر. تحقیق یوسف اسعد داغر. قم: مؤسسة دارالهجرة.
- نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۰۷ق). فهرست اسماء مصنفی الشیعه (الرجال). قم: انتشارات جامعه

۱۷۴ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال شانزدهم، شماره سی و یکم، بهار و تابستان ۱۴۰۳، ص ۱۵۳-۱۸۰

مدرسین حوزه علمیه قم.

نیومن، اندره جی. (۱۳۸۶ش). دوره شکل گیری تشیع دوازده امامی؛ گفتمان حدیثی میان قم و بغداد. ترجمه مهدی ابوطالبی، محمدرضا امین و حسن شکراللهی. قم: مؤسسه شیعه شناسی. یاقوت حموی، ابو عبدالله بن عبدالله رومی. (۱۹۷۹م). معجم البلدان. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

[www.ed.ac.uk/profile/andrew-j-newman](http://www.ed.ac.uk/profile/andrew-j-newman)

## References

- Azarnoosh, A. (1998). 'Adab, In the great Islamic encyclopedia. Tehran: Islamic Encyclopedia Center. [In Persian]
- Ibn Athir, A. (1997). *Al-Kamal fi al-Tarikh*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
- Ibn Dawud Halli, T. (1963). *Al-Rijal*. Tehran: Tehran University Press. [In Arabic]
- Ibn Tawus, S. (1948). *Faraj al-Mahmum fi tarikh' ulamà al-nujum*. Qum: Dar al-Zhakhar. [In Arabic]
- Ibn Abd al-Ghani, U. (1956). *Mu jam al-mu;allifin*. Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi. [In Arabic]
- Ibn Ghazaeri, A. (2001). *Al-Rijal*. Qum: Dar al-Hadith. [In Arabic]
- Bakhshi Joybari, M. (2013). Validation of Mashaikh Ahmad ibn Muhammad ibn Isa Ash'ari in the scale of criticism. *Hadith science*, No. 71. p. 146. [In Persian]
- Bahrami, A., & Hosseini, S. (2011). The perspective of the Baghdad field on the narrators and the opinions of Rijal of the hadith school of Qum. *Hadith science*, No. 65, 109-110. [In Arabic]
- Paktachi, A. (2013). Little-known and advanced areas of Hadith and Imamiyyah teachings in Iraq. Syria and Egypt. *Safiha Moibn*, No. 52, 130-132. [In Persian]
- Tawheidinia, R., & Safari Forushani, N. (2014). Analytical study of Imamiyyah traditional historiography until the middle of the fifth century of Hijri. *Scientific-Research Quarterly of Islamic History*, 16(4), 12-13. [In Persian]

بررسی نظرات نیومن دربارهٔ علل اخراج احمد بن محمد بن خالد برقی از قم، محمدحسین صانعی پور و همکاران ۱۷۵

- 10.22052/HADITH.2022.246714.1226
- Agha Bozor Tehrani, M. (1982). *Al-Dhariyyah ila tasanif al- works*. Beirut: Dar al-Azwa. [In Arabic]
- Jafarian, R. (1997). Shiite cultural heritage in local history and geography. *Aineh Research Journal*. No. 43, 5-6. [In Persian]
- Jafarian, R. (2003). *The history of Shiism in the city of Ray*. Collection of articles of Hazrat Abdul Azim Hosni Congress. Qum: Dar al-Hadith P. 404. [In Persian]
- Hosseini, G. (2008). *Shia studies and English-speaking Shia scholars (1950-2006 AD)*. Qum: Institute of Shia Studies. [In Persian]
- Hilli, H. (1990). *Khulasat al-Aqwal fi ma'rifat Ahwal al-Rijal*. Qum: Dar al-Zhakhar. [In Arabic]
- Heydar Sarlak, A, Mehrizi, M. (2011). Ash'ari and the establishment of the first Shia city government. *Scientific-Research Quarterly of Shia Studies*. 10(39), 47. [In Persian]
- Khorsan, H. (1986). *Research on the Mishikhah Tahhib al-Ahkam*. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. [In Persian]
- Khuii, S. (1992). *Mu jam Rijal al-Hadith*. Qum: Seminary Publications. [In Arabic]
- Dhahabi, S. (1993). *History of Islam*. Beirut: Dar Al Kitab Al Arabi. [In Arabic]
- Zerekli Damascus, K. (1980). *Al-A lam. qamus tarajim liashhur al-Rijal wa al-nisa'*. Beirut: Dar Al Alam Lalmulayain. [In Arabic]
- Zarin Koob, A. (2006). *History in the balance*. Tehran: Amir Kabir Publications. [In Persian]
- Sobhani, J. (1993). *Kuliyat fi 'Ilm al-Rijal*. Qum: Al-Nashr al-Islami Institute. Third edition. [In Arabic]
- Shariatmadari, H. (2014). Analyzing the positions and interpretations of Sayyed Murtaza (RA) about the Qumis. *Basatin magazine*. Number three and four. P. 110. [In Persian]
- Shushtri, Q. (2005). *Masaib al-Nawasab fi Al-rad ala Nawaqad al-Rawafid*. Qum: dalil ma publication. [In Arabic]

- Shushtri, M. (1989). *Qamus al-Rijal*, Qum Seminary Teachers Association: Islamic Publications Office. second edition. [In Arabic]
- Shirzad, M., Shirzad, M., & Nurai, M. (2016). The thought process of politeness and rereading the reasons for the expulsion and return of Aḥmad Barqī to Qum. [In Persian]
- Saduq, A. (1975). *Kamaluddin wa Tamma Al-Ni ma*. Tehran: Islamia. Proofreader/researcher: Ghaffari, Ali Akbar. [In Arabic]
- Taleghani, S. (2013). expulsion of narrators from Qum; A religious or social act. *A scientific and research quarterly of philosophy and theology*, 17(3), [In Persian]
- Tusi, M. (1961). *Al-Rijal*. Najaf: Heydarieh Publications. [In Arabic]
- Tusi, M. (1996). *Al-fihrist*. Research by Javad Qayyumi. Qum: Al-Faqaha Publishing House. [In Arabic]
- Asqalani, I. (1970). *Lisan Al-almizan*. Beirut: Al-Alami Publishing House. [In Arabic]
- Foroughi Abri, A., & Badiyan Fard, N. (2017). Examining and criticizing the views of Heinsholm and Andre J. Newman regarding the Islamic government during the absence of the vicerealty of Imam Masoom (peace be upon him). *Mahdavi Research Journal*. Number 26. P. 304. [In Persian]
- Qummi, H. (1942). *History of Qum*. Translated by Hassan bin Ali Qumi. Researcher/Editor: Seyyed Jalaluddin Tehrani. Tehran: Tos Publications. [In Arabic]
- Karmi, M. (2017). An analytical look at the behavior of Ahmad Ibn Isa in the exile of some narrators. *Journal of knowledge and teachings of Quran and Hadith*, 1(1), [In Persian]
- Kulaini, A. (1943). *Usul al-Kafi*. Tehran: Islamia. second edition. P. 5. [In Arabic]
- Mamqani, A. (1933). *Tanqih al-maqal fi` Ilm al-Rijal*. Najaf: Al-Mortazawiyya Press. [In Arabic]
- Muhaddith Ermoi, J. (1951). *Introduction to Al-Mahasin*. Qum: Dar al-Kitab al-Islamiya. [In Arabic] [In Arabic]



بررسی نظرات نیومن دربارهٔ علل اخراج احمد بن محمد بن خالد برقی از قم، محمدحسین صانعی پور و همکاران ۱۷۷

Masoudi, A. (1988). *Moruj al-Dhahab wa ma'adin Al-Jawhar*. Researcher: Dagher, Youssef Asad. Qum: Dar al-Hijrah Institute. [In Arabic]

Najashi, A. (1986). *Fihrist Asma' Musannifi Al-Shi (Al-Raja)*. Qum: Publications of Qum Seminary Society of Teachers. [In Arabic]

Newman, A. J. (2016). *The formation period of Twelve Imam Shiism; Hadith discourse between Qum and Baghdad*. Translated by Mehdi Abutalebi, Mohammad Reza Amin, and Hassan Shokrollahi. Qum: Institute of Shia Studies.

Tawheed Lo, A. (2014). V Ayishaqt al-Bariqi with an emphasis on his elders in the book of Al-Mahasin. *Journal of Hadith Sciences*. Number 78. P. 147. [In Persian]

Yaqut Hamavi, A. (1979). *Mujam Al-Buldan*. Beirut: Arab Heritage Revival. [In Arabic]

[www.ed.ac.uk/profile/andrew-j-newman](http://www.ed.ac.uk/profile/andrew-j-newman)



## Examining Newman's Opinions about the Reasons for the Expulsion of Aḥmad ibn Muhammad ibn Khālid Barqī from Qum

*Ali Chamani*

PhD student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran; alichamany1364322@student.pnu.ac.ir

*Mohammad Hassan Saneipur*

Associate Professor of the Department of Quranic and Hadith Sciences, Kashan University, Kashan, Iran (corresponding author); saneipur@kashanu.ac.ir

*Leila Sadat Moraveji*

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Kashan University, Kashan, Iran; l.moraveji@kashanu.ac.ir

Received: 10/08/2022

Accepted: 24/11/2022

### Introduction

Considering the higher status of Qum Hadith school, its performance has always had a great impact on the views and behaviors of contemporary and later hadith scholars. One of these actions that occurred during a period of the Qum school was the expulsion of a number of muḥaddiths on the accusation of ghuluww (exaggeration) or quoting from ḍu'afā (weaknesses), and it is important to investigate this issue because this move is important due to the existence of many traditions entered by the expelled people in the traditional collections and Shi'a authenticity has brought consequences such as denial and doubt in accepting some concepts and content reached by these people throughout the history of hadith transmission, and caused Orientalists including Newman to research and express their opinion in this regard. Therefore, scientific investigation and conclusion in this regard is necessary and important in the field of Shia hadith research.

### Materials and methods

Most of the Shia muḥaddith scholars and Rijalis have raised this point as the main reason related to the issue of his expulsion from Qum, based on what Najāshī said about Aḥmad Barqī regarding his characteristic of quoting the ḍu'afā and trusting the Marāsīl. Also, some people believe that some

scientific, political and economic affiliations of Ahmad Barqī to the currents opposed to the Ash'ari government were the main reason for this action. Newman also in his book, the Formative period of Twelver Shi'ism; Hadith as Discourse between Qum and Baghdad, in addition to its discussions, examined this issue as a thought-provoking event in that era and considered the above words as a possibility and a weak reason in this regard. Newman considers the ignorance of the nascent Shiite community of Qum at that time about the issue of the absence of the 'Asr Imam (as) and their religious beliefs regarding the early appearance of the absent Imam (as) while he is still a young person, the basis for the non-acceptance and non-acceptability of Ahmad Barqī's work and, accordingly, Ahmad Ash'ari's action in expelling him from Qum. In this research, taking into account the historical evidence as well as numerous traditions from the innocents (pbuh) over many years in the field of raising awareness and preparing the Shia community to accept the issue of the absence of the last Imam (as) and related issues, Newman's theories were reviewed in this regard. In this research, the non-scientific nature of Newman's theory will be determined by the descriptive and analytical method and by referring to the historical evidence and traditionals in the field of raising awareness of the ghaybat issue by the innocents (pbuh).

### Results and findings

At first, by studying Ahmad Barqī's biography in Imamiya's Rijali books, we notice a series of inconsistencies in the quoted statements about his personality. Therefore, with a more detailed and reflective look, the causes of these differences in the traditions about the character of Ahmad Barqī, as well as the events that happened regarding his expulsion, should be investigated. Another point worthy of consideration is that the breadth of historical and literary knowledge of Ahmad Barqī caused him to be accused of quoting weak people like other historians before him. Because when a muḥaddith turns to historical traditions, he will quote from many people to complete his work, and this is where those who do not agree with some of his traditions for various reasons such as belief, political, etc. they accuse him weaken; Therefore, for this reason that it is rare to find a historian in that era who was immune from the attacks of the scholars and therefore according to this article, one of the important reasons for the dismissal of Ahmad Barqī should be considered the difference in his intellectual foundations with Ahmad Ash'ari. Ahmad Ash'ari's opposition to this kind of comprehensive and extensive approach of Ahmad Barqī to hadiths was one of the main reasons for this action. Another important issue was the training of experts in the field of bureaucracy and matters related to the area and land surveying in that era, and this type of behavior and action of Ahmad Barqī in training this people, having the ability and skill in calculating matters related to land and real

estate, Considering the situation of the people of Qum at that time and their basic problems due to the pressures of the central government on collecting taxes from the land and how to calculate it, as Newman also mentions in several cases, it can be considered as one of the important factors. And he stated the groundwork in the matter of his expulsion from Qum by Aḥmad Ash'ari. And in general, the differences between the intellectual and religious, economic and political foundations between Aḥmad Ash'ari as the elder of Qummiyun and Aḥmad Barqī as one of the mawālī of this family can be considered as the foundation and one of the main causes in the case of Aḥmad Barqī's expulsion from Qum; According to Ash'ari, the factors that caused the disruption of the religious, political and economic integrity of the Shiite community of Qum in that sensitive situation, which later, after misunderstanding this decision, he took action to compensate for it.

### Conclusion

Newman considers the ignorance of the Shiite community of Qum about the issue of the absence of the 'asr Imam (as) and their religious beliefs regarding the early appearance of the absent Imam (as) while he is still a young person, as the basis for the non-acceptance and non-acceptability of the work of Aḥmad Barqī and, accordingly, Aḥmad Ash'ari's action in expelling him from Qum. . By drawing the ecological environment of that society, he considered the issue of their acceptance of Aḥmad Barqī's return after the failure of his religious beliefs and, accordingly, the understanding of the importance of his work at that time to preserve the Shia society under siege with those harsh political and social conditions, as the reasons. However, considering the existing historical evidence and the numerous traditions received from the Prophet (pbuh) and Imams (as) in the matter of raising awareness, as well as his intellectual and practical groundwork for the Shia community during the years of the Imams' presence in order to correctly understand and accept the absence of the absent Imam (as), this theory of his is not acceptable.

**Keywords:** Andrew J. Newman, Aḥmad ibn Muhammad ibn Khālīd Barqī, Aḥmad ibn Muhammad ibn 'Isā Ash'arī, expulsion of narrators, Qum.